

رفتار را داشت. هنگامی که یک روزنامه‌نگار خارجی -در یک مصاحبه تلویزیونی- از وی در مورد آثار قطع برق غزه بر مردم غزه به‌ویژه کودکان و بیماران بستری در بیمارستان‌ها پرسید بنت در پاسخ وی را سرزنش کرد و گفت: «جدی می‌گویی؟! آیا از من در مورد غیرنظامیان فلسطینی می‌پرسی؟! ندیدی چه اتفاقی افتاده؟! ما داریم با نازی‌ها می‌جنگیم». و این کلامی صریح است که تمایزی بین غیرنظامیان و نظامیان قائل نیست.

موضوع دوم همچنان پابرجاست و آن تمایل به محکومیت صریح حماس از سوی قربانیان اشغالگری اسرائیل در طی سال‌های متعددی است. اولین سؤالی که خبرنگاران غربی در گفت‌وگوهای خود با مقامات و کارشناسان فلسطینی به آن پرداختند این است که آیا شما اقدامات حماس را محکوم می‌کنید؟ گویی این پرسش مقدمه‌ای ضروری برای ادامه گفت‌وگو است. گویی این روزنامه‌نگاران عموماً بمباران غزه توسط اسرائیل را که قربانیان بی‌شمار طی روزهای درگیری بر جا گذاشته است نادیده گرفته‌اند.

پس از بیان موارد فوق روشن است که اهداف سیاسی و نظامی بر رعایت اخلاق، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل ارجح است. نابودی حماس مستلزم این راهبرد رسانه‌ای است که به ابعاد چهارگانه مرتبط با حماس از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر پرداخته و آن را شرح می‌دهد. هدفش هم این است که می‌خواهد با تبلیغات رسانه‌ای از پوشش اخلاق در جهت اهداف خود بهره‌برد و از بار مسئولیت کشتار مردم فلسطین شانه خالی کند و این موضوع را مستمسکی برای رسیدن به اهداف سیاسی و نظامی خود قرار دهد.

متأسفانه رسانه‌های غربی هم به‌بازوی خدمت‌گزار برنامه آمریکا و اسرائیل تبدیل شده‌اند و تلاش می‌کنند تا به پشتوانه تصمیمات سران غرب از تظاهرات در حمایت از فلسطین و دست‌رسی به کامنت‌ها در فیس‌بوک جلوگیری نکنند. همواره تلاش می‌شود تا به اسرائیل مهلتی بیشتر برای تحقق اهداف نظامی و سیاسی‌اش داده شود و هرگونه فشار از سوی فعالان حقوق بشرمانعی برای اهداف اسرائیل خواهد بود. اما نکته مهمی که این راهبرد از آن غفلت کرده این است که بسته شدن راه‌های سیاسی مقاومت، چه مقاومت مسالمت‌آمیز و چه نظامی، تنها موجب داغ شدن تنور خشونت و افراط خواهد شد. ▶

شده است. بر این باید بیفزاییم که حقوق بین‌الملل به کشوری که مورد اشغال قرار گرفته است حق دفاع از خویشتن را می‌دهد و همین مسئله می‌تواند بر مشروعیت اقدامات حماس بیفزاید، چرا که اقداماتش از اساس در برابر اشغالگری بوده است.

موضوع دوم: حق دفاع از خود بین دولت‌ها تابع قوانین بین‌المللی است. این امر بی‌قید و شرط نبوده و منوط به تقیدات اخلاقی و انسانی حاکم بر جنگ‌های بین‌کشورهست، درحالی که اسرائیل به هیچ قانون یا قاعده اخلاقی‌ای پایبند نبوده و نیست. این بدان معناست که اصرار رهبران کشورهای غربی -یعنی آمریکا و انگلیس- بر حق دفاع اسرائیل از خود به معنای دفاع بی‌قید و شرط آن در غزه است.

اگرچه بایدن یک بار گفت که از بنیامین نتانیاهاو خواسته است تا به قوانین بین‌المللی احترام بگذارد، اما در مورد بمباران افسارگسیخته غزه توسط اسرائیل و کوچاندن هدفمند ساکنان آن کاملاً سکوت کرده است. جنگ در غزه تاکنون منجر به کشته شدن حدود ۱۱ هزار نفر شده است و حدود ۱۰۰ هزار فلسطینی هم مجروح شده‌اند که بیشترشان از کودکان و زنان بوده‌اند. این در حالی است که مادر باره ۵ میلیون غیرنظامی محاصره شده در یک منطقه جغرافیایی بسیار محدود سخن می‌گوییم. بنابراین حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل (با در اختیار قرار دادن تجهیزات نظامی و حمایت سیاسی) به این معنی است که سخنان بایدن در مورد احترام نتانیاهاو به التزام به قوانین بین‌المللی صرفاً تعارفاتی دیپلماتیک است.

شایان ذکر است که برخی از رهبران اسرائیل در این زمینه به اندازه کافی صریح و به‌دور از گفتمان دیپلماتیک هستند. اسحاق هرزنوک، رئیس‌جمهور اسرائیل، همه فلسطینی‌ها را مسئول اعمال حماس دانست و گفت: «روشن است که تمام فلسطینی‌ها مسئول حمله حماس هستند و غیرنظامی‌ای در این موضوع وجود ندارد».

رئیس‌جمهور اسرائیل به وضوح تمایزی را که حقوق بین‌الملل بین نظامیان و غیرنظامیان قائل است رد می‌کند. او در یک کنفرانس مطبوعاتی صرف پرسش درباره پایبندی اسرائیل به قوانین بین‌المللی در غزه را برناتافت و حتی روزنامه‌نگار خارجی‌ای را که از او در این مورد سؤال کرده بود توبیخ کرد. نفتالی بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، نیز همین

اخلاق جنگ هم پایبند است، درحالی که داعش یک جنبش خارج از عرف بین‌الملل است و به دنبال ایجاد خلافت در آن سوی مرزها است و به هیچ‌گونه تقیدات اخلاقی‌ای در جنگ پایبند نیست، چون یکسره بر پایه وحشی‌گری است. برای مثال روزنامه اسرائیل به زبان عربی تلاش دارد در انتهای هر کامنت از هشتک «حماس همان داعش است» استفاده کند که این امر مؤید هدف سیاسی و نظامی اسرائیل در این جنگ است.

دو موضوع قبلی -یعنی انسانیت‌زدایی و سلب صفت سیاسی و اخلاقی- شامل تلاش برای برتری جویی جنجالی بر جنبش حماس و به‌طور کلی بر فلسطینیان است تا وجدان خود را آسوده سازند، زیرا اسرائیل تحت عناوینی چون «داعش»، «نازیسم»، «بربریت» و «حمله وحشیانه» و عناوین دیگری که مسئولان اسرائیلی و غربی علیه فلسطینیان و یا حماس به کار می‌برند پای به این نبرد گذاشته است. هدف این است که اقدامات حماس به‌طور کامل از دایره مسائل سیاسی و نظامی خارج شود و به یک اقدام کاملاً جنایتکارانه که تحت هیچ قانون یا اصول اخلاقی‌ای قرار نمی‌گیرد منحصر شود، به علاوه اینکه حماس در زمره جنبش‌های تروریستی به شمار می‌رود و این طبقه بندی هم سیاسی است نه حقوقی و این بدان معناست که طبقه بندی یاد شده برای سیاست‌زدایی از دشمنان به سیاست متوسل شده است.

از سوی دیگر دو موضوع در رابطه با اسرائیل مورد توجه قرار گرفت که مؤید این راهبرد رسانه‌ای است که در خدمت اهداف سیاسی و راهبردی آن است و این دو موضوع عبارت‌اند از: الف) تأکید بر حق اسرائیل در دفاع از خود. ب) محکوم کردن صریح و بی‌قید و شرط حماس توسط فلسطینیان و کشورهای دنیا. در مورد حق اسرائیل برای دفاع از خود، بسیاری از رهبران غربی تمایل دارند که ادعا کنند اسرائیل «حق کامل دفاع از خود» را دارد، اما این مهم به دو موضوع اشاره دارد:

موضوع اول: آنچه گفته می‌شود درباره دفاع از یک جنبش مقاومت و در سرزمینی است که از سال‌ها پیش درگیر مسئله اشغالگری است. حق دفاع از خویش معمولاً درباره یک دولت در برابر دولتی دیگر و در چارچوب قوانین بین‌المللی مطرح می‌شود حال آنکه نه غزه یک دولت است و نه دولت موجود در غزه به لحاظ سیاسی و حقوقی به رسمیت شناخته

حق دفاع از خویش معمولاً درباره یک دولت در برابر دولتی دیگر و در چارچوب قوانین بین‌المللی مطرح می‌شود حال آنکه نه غزه یک دولت است و نه دولت موجود در غزه به لحاظ سیاسی و حقوقی به رسمیت شناخته شده است